

## مومیائی شده ها!

یکی از شبکه‌های رادیو جمهوری اسلامی در صبحگاه ۱۳/۱۲/۱۳۸۶ در تعریف خصوصیات ملت ایران و برای آماده کردن اذهان مردم جهت پذیرش تقلبات در شرف وقوع امر انتخابات مدح شبیه به ذم کرده و می‌گفت: «حرکات و عکس‌العمل‌های این ملت غیرقابل پیش بینی است و همیشه کارهایی می‌کنند که ناظران غافلگیر و غرق در حیرت می‌شوند. ملت ایران در انتخابات مجلس شورای هشتم نیز چنین خواهد کرد و نتایجی از شمارش آراء را شاهد خواهیم بود که در باور کسی نمی‌گنجد.»!

ما نمی‌پرسیم رادیوی نگران از اعلام واقعیت مطلب، این موضوع را چگونه کشف کرده و در واقع ما مردم را متهم به ناآگاهی و تحریک پذیری مینماید اما ضمن تأیید غیرقابل پیش بینی بودن نتایج کارهایی که هیأت حاکمه و دولت جمهوری اسلامی برخلاف اصول و بنام ملت شریف ایران انجام میدهد ذکر چند نکته را ضروری میدانیم:

۱- آیا رادیوی مذکور با خصلت تراشی برای ملت نجیب ایران، نتایج اقدامات شگفت‌انگیز و برنامه‌های بی حساب دولتها را می‌خواهد پهای ملت ایران بنویسد و امر رأی دادن و شمارش آراء اقلیت و اکثریت را اینقدر غامض و پیچیده نشان بدهد؟ چرا امر انتخابات را با حسن نیت و باصطلاح روز با شفافیت انجام نمی‌دهیم تا فهمیدن نتایج واقعی آن نیازمند به رمل و اسطرلاب نباشد؟

۲- در دنیایی که پیشرفت علم و فن و استفاده از تکنیکهای جدید، اطلاع از حقایق و سنجش و افکار و واقعیت‌ها را بسیار آسان نموده است غیرقابل پیش بینی بودن! مشارکتها و شگفتی‌آفرینی‌ها را باید از خصوصیات ملت کهنسال ایران بدانیم یا از دخالت و شعبده بازیهای کسانی که پس پرده نشسته‌اند و موجبات حیرتها را فراهم می‌آورند؟

۳- آیا ریختن رأی بنام حسن و حسین و خوانده شدن آراء بنامهای دلخواه، در آوردن دو برابر تعداد جمعیت یک شهر رأی از صندوق و تغییر محتویات صندوق در فاصله یک نیم چرت بعد از ناهار... مابه شگفتی و خنده است یا ملت ایران تماماً شگفتی‌آفرین و خرافه پرست شده‌اند؟

همان رادیو در ردیف دستورالعمل‌های محدودکننده آزادی، اعلام می‌کرد که کاندیدهای گذشته از غربال شورای نگهبان حق ندارند در پوست‌های خود که به در و دیوار می‌زنند عکسهای خود را جای دهند زیرا اصلاً نیازی به این کار نیست، یعنی رأی دهنده‌ها فقط وظیفه دارند محل‌های اخذ رأی را شلوغ نمایند. شناختن و نوشتن نام افراد صالح یا اصلح دیگر جزو وظایف آنها نیست!

در اینجا بیاد این مطلب مهم و بدیهی می‌افتیم که صحت معاملات، بستن قرارداد پس از احراز اهلیت طرفین، معلوم بودن شخصیت و خصوصیات آنهاست و معامله مهم و نامشخص صحیح نمی‌باشد و اینک ملاحظه می‌کنیم شناسائی کامل فردی که می‌خواهد نمایندگی یا وکالت جماعتی از شهروندان را برعهده بگیرد، بر رأی دهنده تا آن حد پیش پا افتاده است که گویا باندازه شناسائی طرفین هنگام خرید یک کیلو سیب زمینی هم اهمیت ندارد!

در هیاهوی بحث و جدلهای سیاسی - اجتماعی جهانی و جستجوی راه‌های ارتقاء فرهنگی، جای بسی تأسف است که اولیاء امور مملکتی مانند آن مومیائی - در شعر شهریار - عمل نمایند؛ ... خلاصه آنکه «مومیائی» پس از قرون متمادی که سر تا پای آداب و اصول جهانی تغییر کرده، از گور خود برخاسته و با مختصر پوشش پوسیده - ارثیه ای از زمانهای دور، بسوی یارو دیار سالهای زندگی حرکت می‌کند، او که روزگاری فردی مانند بخت النصر یا فرعون انسان معروفی بوده، بدنبال پیدا کردن اصول و مقررات زمان خود و دنیای گذشته است اما خواسته‌ها و دستورات مومیائی انجام پذیر نیستند، آشنایان همه رفته‌اند و هر کس از کنار او می‌گذرد بیگانه ایست با لباسها و چهره‌های عجیب؛ پس ناچار مومیائی به گور خود باز می‌گردد و از نظرها پنهان می‌شود.

نتیجه آنکه استواری پایه‌های حکومت‌های جبار همیشگی نبوده و تقلب‌های کهنه و نوظهور نیز تضمین‌کننده ابدیت عمر آنها نگشته است و حافظ لسان الغیب میفرماید:

خوش گرفتند حریفان سر زلف ساقی

گر فلکشان بگذارد که قراری گیرند

و اگر گوش به پیام تاریخ بسپاریم باید از پیش آمدها و مصائب دگران بند بگیریم و بیش از اینها ملت ایران و تمام دنیا را شگفت زده نکنیم.

خجسته

نوروز

باستانی

در

هم میهنان

عزیز

گرامی‌باد